

فرصت‌ها و چالش‌های شکل‌گیری حکومت اسلامی در عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۲۵

مجتبی عطارزاده*^۱

اعظم خانی^۲

چکیده

انقلاب اسلامی ایران با احیای دوباره مباحث اسلام، تحول فرهنگی عظیمی را در ابعاد منطقه‌ای موجب شد و زمینه‌های بیداری جنبش‌های اسلامی در منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا، آسیای مرکزی و دیگر مناطق را فراهم کرد. در این خصوص، هدف اصلی این پژوهش بازخوانی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر کشور عراق است. سؤال اصلی آن است که چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای ایجاد یک حکومت اسلامی در کشور عراق هم‌زمان با سال‌های آغازین انقلاب اسلامی ایران وجود داشت؟ به نظر می‌رسد علی‌رغم برخی فرصت‌ها مانند وجود مرز طولانی عراق و ایران، وجود اکثریت شیعه در جنوب و به خصوص ارتباط گسترده علما و روحانیان دو کشور؛ محدودیت‌هایی مانند سیاست‌های خشونت‌آمیز حزب بعث، عدم وحدت تشکیلات شیعه و همچنین سیاست حامی‌پروری حزب بعث در ارائه خدمات عمومی مانع از سرنگونی رژیم بعثی و ایجاد حکومتی اسلامی در عراق در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی ایران شده است. در این پژوهش برای اثبات این فرضیه از رهیافت گفتمان در بررسی مقایسه‌ای الگوی حکومتی امام خمینی (ره) و الگوی موردنظر شهید آیت‌الله... صدر؛ برای تبیین ساختار سیاسی عراق و تأثیر آن بر جهت‌گیری شیعیان عراق نسبت به انقلاب اسلامی ایران و همچنین بررسی تشکیلات شیعیان در میزان وحدت و انسجام از رهیافت نهادی و در نهایت به منظور تبیین وضعیت اقتصادی شیعیان عراق و همچنین تأثیر اوضاع اقتصادی ایران بر جهت‌گیری شیعیان عراق نسبت به انقلاب اسلامی ایران از رهیافت عقلانی استفاده می‌شود.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، عراق، حکومت اسلامی، حکومت بعث، شیعیان.

*۱. عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان. نویسنده مسئول: mattarzadeh@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران با احیای آموزه‌های اسلامی توانست راه ثالثی را فراروی ملت‌های جهان به‌خصوص کشورهای اسلامی و جهان سوم قرار دهد و موجبات رشد و شکوفایی جنبش‌های اسلامی متعددی مانند جنبش امل در لبنان به رهبری امام موسی صدر، حزب الدعوه در عراق به رهبری آیت ... محمدباقر صدر، جنبش جهاد اسلامی و حماس در فلسطین، جنبش النهضه در تونس به رهبری راشد الغنوشی، جبهه نجات اسلامی الجزایر، جنبش‌های اسلامی در قفقاز، چچن، کشمیر، افغانستان، اندونزی و غیره شود. در این میان به‌عنوان مطالعه موردی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشور عراق تبیین و در این راستا به فرصت‌ها و چالش‌های این مهم پرداخته می‌شود. هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این سوال است که:

۱- چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای ایجاد یک حکومت اسلامی در کشور عراق هم‌زمان با سال‌های آغازین انقلاب اسلامی ایران وجود داشت؟

بر پایه سوال اصلی فوق، چند سؤال فرعی نیز قابل طرح است:

۱- وجوه مشترک الگوی حکومتی امام خمینی (ره) و شهید آیت‌ا. صدر چیست؟
۲- ساخت سیاسی دولت عراق، چه تأثیری بر جهت‌گیری شیعیان عراق نسبت به انقلاب اسلامی ایران داشته است؟

۳- آیا تشکیلات شیعیان عراق از وحدت و انسجام کافی برای مقابله با رژیم بعثی برخوردار بود؟
۴- عوامل اقتصادی، چه نقشی در جهت‌گیری شیعیان عراق نسبت به انقلاب اسلامی ایران داشته است؟
فرض اساسی در این پژوهش آن است که علی‌رغم برخی فرصت‌ها مانند وجود مرز طولانی عراق و ایران، وجود اکثریت شیعه در جنوب عراق و به‌خصوص ارتباط گسترده علما و روحانیان دو کشور، اما محدودیت‌هایی مانند سیاست‌های سرکوب‌آمیز حزب بعث، عدم وحدت تشکیلات شیعه و سیاست حامی‌پروری حزب بعث در ارائه خدمات عمومی، مانع از ایجاد سرنگونی رژیم بعثی و ایجاد حکومتی شیعی در عراق در سال‌های آغازین وقوع انقلاب اسلامی ایران شد. در واقع، اکثریت شیعه در این کشور نتوانست در آن زمان نقش کامل خود را در سرکوب نظام حاکم و برقراری نظامی با بهرمندی از الگوی انقلاب اسلامی ایران ایفا کند؛ روندی که به تبدیل مبارزات انقلابی آنان به مواضع انفعالی منجر شد.

الف - مبانی نظری و روش

۱- مبانی نظری: زمینه‌های فرهنگی صدور انقلاب اسلامی ایران

از مهم‌ترین زمینه‌های فرهنگی انقلاب اسلامی ایران که مسئله صدور آن را موجه کرده‌است، می‌توان به جهان‌شمول بودن دین مبین اسلام اشاره کرد. اسلام می‌خواهد که از انسان‌های موجود در کره زمین فقط یک امت به هم پیوسته و واحد بشری فراهم آورد، یعنی کشوری به عرض و طول جغرافیایی همه کره زمین، دولتی به شعاع فعالیت و صلاحیت همه انسان‌ها و سرزمین‌ها (خلیلیان، ۱۳۷۵: ۱۱۰). گسترش عدالت، نفی ظلم و ستم، حمایت از ستمدیدگان و مظلومان و نفی استکبار و سلطه گوشه‌ای از جهان‌شمولی تعالیم اسلام را شامل می‌شود. در خصوص گسترش عدالت در آیه ۲۵ سوره حدید آمده‌است: «ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان (عدل) را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند». در خصوص نفی ظلم در آیه ۲۷۹ سوره بقره آمده‌است: «نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم روید»، و در آیه ۱۴۱ همین سوره در خصوص نفی استکبار آمده‌است: «خدا هیچ‌گاه برای کافران بر اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد کرد». اسلامی بودن انقلاب ایران نیز این ویژگی و امتیاز خاص را به آن داده که دارای جنبه جهان‌شمولی باشد و تمام جهانیان را مورد خطاب پیغام خود قرار دهد (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۰۱). انقلاب اسلامی ایران در بعد جهان‌شمولی خود همانند انقلاب صدر اسلام از یک‌سو تمام جهانیان را در تمام زمان‌ها و دوره‌ها مخاطب قرار داده و از سوی دیگر بر فطرت الهی انسان‌ها تأکید کرده‌است (صفتاج، ۱۳۸۷: ۳۶). انقلاب ایران نیز به دلیل اسلامی بودن مسئله حمایت از مستضعفان، نفی استکبار، گسترش معنویت و مسائلی از این قبیل را در سرلوحه کار خود قرار داده‌است.

به‌عنوان نمونه مسئله حمایت از مستضعفان در قبال مستکبران جهان مورد توجه اساسی رهبر انقلاب اسلامی بوده، به‌طوری که ایشان چند ماه بعد از به‌ثمر رسیدن انقلاب، لزوم تأسیس حزب جهانی به نام «حزب مستضعفین» را مطرح کردند (محمدی، ۱۳۷۷: ۳۴). در اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز در خصوص حمایت از مستضعفان آمده‌است: «جمهوری اسلامی ایران ... در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». انقلاب اسلامی ایران با احیای ظرفیت‌ها و امکانات فراموش شده ملت‌های مسلمان و مستضعف و نفی انفعال و مرعوبیت آنان در برابر استکبار، درصدد قطع ریشه‌های

وابستگی آنان به قدرت‌های بزرگ بین‌الملل توانست برآید و با وارد کردن اسلام به صحنه مبارزاتی جنبش‌های آزادی‌بخش، در دو عرصه فکری و مسالمت‌آمیز و درگیری و عملیات شهادت‌طلبانه، آنان را از حالت انفعالی خارج سازد (دهشیری، ۱۳۸۸: ۱۵۹-۱۴۹). در واقع انقلاب اسلامی ایران حمایت از تمام مستضعفان و مسلمانان و رهایی آنان از دست استکبار و گسترش معنویت را سرلوحه کار خود قرار داده و درصدد بوده است آن چیزی که در ایران واقع شد، یعنی رهایی از سیطره قدرت‌های استکباری و احیای ارزش‌ها و اصول اسلامی را به دیگر کشورها انتقال و صادر کند. امام خمینی (ره) در این خصوص فرموده‌اند:

ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه‌بودنی که هستند نجات بدهد. معنای صدور انقلاب این است که معنویت موجود در ایران را گسترش دهیم (آیین انقلاب اسلامی ...، ۱۳۷۳: ۴۱۷-۴۱۵).

با توجه به وجود چنین زمینه‌های فرهنگی و اسلامی‌ای مسئله صدور انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورها موجه به نظر می‌رسد که به عنوان مطالعه موردی به تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشور عراق و فرصت‌ها و چالش‌های فراروی شیعیان این کشور در دوره حکومت بعثی‌ها پرداخته می‌شود.

۲- روش

این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است. برای پاسخ به هریک از سؤالات مطرح‌شده سعی شده تا رهیافت مناسبی با آن انتخاب شود. در اینجا به منظور بررسی مقایسه‌ای الگوی حکومتی امام خمینی (ره) و الگوی موردنظر شهید آیت‌... صدر(ره) از رهیافت گفتمان استفاده می‌شود. به منظور بررسی ساختار سیاسی عراق و تأثیر آن بر جهت‌گیری شیعیان عراق نسبت به انقلاب اسلامی ایران و همچنین بررسی تشکیلات شیعیان از میزان وحدت و انسجام، از رهیافت نهادی استفاده می‌شود و در بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی شیعیان عراق و همچنین اوضاع اقتصادی ایران بر جهت‌گیری آنان نسبت به انقلاب اسلامی ایران از رهیافت انتخاب عقلانی بهره‌گرفته می‌شود. پاسخ به این سؤالات،

سؤال اصلی این پژوهش را نیز به نوبه خود گویا خواهد کرد.

استفاده از این رهیافت‌ها موجب می‌شود تا رویکرد این پژوهش به صورت کیفی - کمی باشد. توضیح اینکه رهیافت گفتمان از نوع رویکرد کیفی است. رهیافت نهادی نیز به دلیل استفاده از حقوق و تاریخ جنبه کیفی دارد؛ البته نه در تمامی موارد، چراکه در این رهیافت زمانی که به عنوان نمونه به تعداد وزارتخانه و پست‌های اجرایی و یا مدت زمان تصدی افراد در این مناصب اشاره می‌شود، می‌تواند جنبه کمی نیز پیدا کند. نظریه انتخاب عقلانی نیز به دلیل تأکید بیشتر بر جنبه‌های عینی و تجربی مانند رفاه و مسائل اقتصادی لحنی پوزیتیویستی و به عبارتی کمی دارد.

ب- شکل‌گیری حکومت اسلامی در عراق: فرصت‌ها

از مهم‌ترین فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه کشور عراق که موجبات صدور انقلاب اسلامی ایران را به این کشور فراهم آورد می‌توان به ۱- مرز مشترک جغرافیایی؛ ۲- وجود اکثریت جمعیت شیعه در جنوب عراق و ۳- رابطه علما و روحانیان دو کشور اشاره کرد. کشور عراق دارای ۳۷۰،۴۳۷ کیلومتر مربع مساحت است. کشورهای همسایه آن در شمال ترکیه، در غرب سوریه و اردن، در جنوب عربستان سعودی، کویت و منطقه بی طرف و در شرق ایران است. مرز عراق با ایران طولانی‌ترین مرز آن با یک کشور همسایه و طول آن ۱۱۸۰ کیلومتر است. عراق تنها کشور عربی است که با ایران دارای مرز زمینی مشترک است (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۶). اکثریت جمعیت این کشور (حدود ۶۰ درصد)، به طور عمده در جنوب، در شهرهایی همچون کربلا، نجف، سامرا و کاظمین را شیعیان تشکیل می‌دهند. متعاقباً این جمعیت از برخی جهات تهدیدی جدی برای حکومت عراق به شمار می‌آمد؛ زیرا: ۱- بیشتر مردم عراق شیعه بودند، اما شیعیان کم‌ترین سهم را در قدرت و ساختار سیاسی داشتند؛ لذا انقلابی با آموزه‌های تشیع و تأسیس حکومت دینی ممکن بود این اکثریت را به حرکت انداخته و صدام و حزب بعث را از قدرت ساقط کند؛ ۲- امام خمینی (ره) به عنوان مرجع شیعه در آن جایگاه داشت؛ ۳- از همان روزهای اولیه آغاز انقلاب و انعکاس اخبار آن توده‌های مردم عراق - به خصوص شیعیان - عکس‌العمل‌های چشمگیری از خود نشان دادند و ۴- حزب‌الدعوه به عنوان یک تشکیلات سیاسی شیعی در آن زمان حداقل بیست سال سابقه فعالیت داشت. وقوع انقلاب موجب احیا، تشدید و توسعه فعالیت این حزب گردید و این امر برای رژیم عراق به طور جدی تهدیدکننده بود (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵: ۸۴).

درخصوص رابطه علما و روحانیان دو کشور عراق و ایران باید گفت که بعد از فروپاشی دولت عثمانی علمای مذهبی در اوایل سده بیستم که عراق، تحت اشغال نیروهای انگلیسی درآمده بود در یک جنبشی سیاسی- ملی درگیر شدند که هدف آن نجات اسلام و مسلمانان از مسیرهای انحرافی استعمارگران بود. در این میان، نجف اشرف، محل مشورت و رایزنی زعمای اندیشمند مذهبی بوده است و در همین راستا بود که میرزا محمدتقی شیرازی- میرزای دوم- در انقلاب ۱۹۲۰م رهبری این قیام را برعهده داشت (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۳۵). در سال ۱۹۶۵ امام خمینی (ره) به نجف^۱، که یکی از مراکز بزرگ علوم شیعی عراق است نقل مکان کردند. ایشان مفهوم ولایت فقیه را طی یک سلسله دروس حوزه‌ای در زمینه حکومت اسلامی که در سال ۱۹۷۰ در نجف ایراد شد، بسط و گسترش دادند (صدیقی، ۱۳۷۵: ۱۳۵). در آنسو، سید محمدباقر صدر در سال ۱۳۶۵ هجری قمری به همراه برادر و خانواده به نجف اشرف مهاجرت کرد. نام‌برده هنوز دو دهه از عمرش سپری نشده بود که به درجه اجتهاد رسید و یکی از چهره‌های شاخص و ممتاز حوزه نجف شد (مریجی، ۱۳۸۷). دوران مرجعیت آیت‌الله سید محمدباقر صدر، پس از وفات آیت‌الله حکیم (۱۳۹۰ق/ ۱۹۷۰م) آغاز شد و بسیاری از مردم عراق از او تقلید کردند (قلی‌زاده، ۴). سید محمدباقر صدر به همراه علامه سید مرتضی عسکری، سید محمد مهدی حکیم و حاج محمدصادق قاموسی در سال ۱۹۵۸ حزب دعوت اسلامی را تأسیس کردند. حزب دعوت اسلامی توانست در مقابل تشکل‌های ضد دینی بایستد و ده‌ها هزار نفر از علاقه‌مندان را به خود جذب کند (حکیم، ۱۳۸۱). از سال ۱۹۶۸ و ظهور بعث بود که حزب به فعالیت خشونت‌آمیز متوسل شد؛ زیرا سیاست‌های غیرمذهبی دولت را ضد اسلامی می‌دانست. فروختن گوشت خوک، کنترل مدارس مذهبی به واسطه دولت، جلوگیری از انتشارات مذهبی، ممانعت از تعمیر مساجد و تعقیب و آزار روحانیت شیعه از جمله نمودهای این سیاست‌ها بود (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۲۳۰).

در این دوران آیت‌ا. صدر در عراق نقشی را برعهده‌گرفت که امام خمینی (ره) در ایران عهده‌دار بود. سال‌ها مؤانست و رفاقت این دو روحانی عالی‌مقام شیعه و دیدگاه‌های مشترک‌شان، خود زمینه مناسبی برای تأثیرپذیرفتن عراق بود. آیت‌ا. صدر حمایت کامل خود را از انقلاب اسلامی ایران اعلام داشت و شیعیان را به اطاعت و حمایت از آیت‌الله خمینی و اسلام فراخواند (محمدی، ۱۳۸۵:

۱. امام خمینی (ره) به دلیل مخالفت با لایحه کاپیتولاسیون، نخست در سال ۱۹۶۴ به ترکیه و سپس در سال ۱۹۶۵ به عراق و در نهایت در سال ۱۹۷۸ به فرانسه تبعید و انتقال یافتند.

۱۴۹) تاجایی که شهید صدر یکی از شاگردان خود را به ایران گسیل کرد تا حلقه واسط میان او و مقام رهبری انقلاب اسلامی ایران باشد (حسینی حائری، ۱۳۷۵: ۱۲۴). شهید صدر در نظر داشت برای تحقق شورای رهبری نامه‌ای مفصل به امام خمینی (ره) نوشته و ضمن تشریح ایده شورای رهبری و تبیین تمام جزئیات آن، از ایشان بخواهد به این شورا بذل عنایت کرده و با هر وسیله ممکن از آن پشتیبانی کند (جمشیدی، ۱۳۸۹: ۴۳۷)؛ همچنین شهید صدر از انقلاب اسلامی ایران پشتیبانی علمی نیز کردند. در این خصوص وی به تألیف سلسله کتاب‌های «الاسلام یقود الحیاه» در شش جلد، از بحث‌هایی نظیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منابع قدرت دولت اسلامی و اقتصاد جامعه اسلامی شامل می‌شود مبادرت کردند (قلی‌زاده، ۴).

بنابراین یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها و به‌بیانی عامل واسطه صدور انقلاب اسلامی ایران در عراق حضور آیت‌ا... صدر در عراق بود که در ادامه با اتکا بر رهیافت گفتمان به وجوه مشترک الگوی حکومتی ایشان و امام خمینی (ره) پرداخته می‌شود.

۱- بررسی مقایسه‌ای گفتمان حکومتی امام خمینی (ره) و آیت‌ا... محمدباقر صدر (ره)

برای بررسی مقایسه‌ای گفتمان امام خمینی (ره) و آیت‌ا... صدر در خصوص نوع حکومت، از برخی مفاهیم تحلیل گفتمان ارنستو لاکلاو و شنتال موفه^۱ استفاده می‌شود. استفاده از تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه به معنای پذیرش کامل این تحلیل نیست و فقط از برخی مفاهیم آن به‌خصوص «دال مرکزی»، به‌عنوان ابزاری برای بررسی مقایسه‌ای گفتمان حکومتی امام خمینی (ره) و آیت‌ا... محمدباقر صدر به‌کارگرفته می‌شود. در اصل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی مانند واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی با عوامل برون‌زبانی مانند زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی بررسی می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). بر اساس روش تحلیل گفتمانی لاکلاو و موفه، می‌توان یک فضای فکری و مجموعه عقیدتی را منسجم و در قالب یک صورت‌بندی و منظومه قرارداد. هر منظومه گفتمانی، دارای یک «دال مرکزی» است که معنا تولید می‌کند و سایر دال‌ها، معنای خود را از آن کسب می‌کنند و با محوریت آن با یکدیگر مفصل‌بندی می‌شوند (میراحمدی و آجیلی، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

لاکلاو تلاش پروژه‌های سیاسی برای تثبیت گفتمان‌های محدود و معین را اعمال هژمونیک

1 . Ernesto Laclau & Chantal Mouffe

می‌نامد. این اعمال دو شرط دارند؛ اول وجود خصومت و نیروهای متخاصم (غیریت‌سازی) و دوم بی‌ثباتی مرزهایی که این نیروها را متمایز می‌کند. هدف اعمال هژمونیک ایجاد یا تثبیت نظام معنایی یا صورت‌بندی هژمونیک است. این صورت‌بندی‌ها در اطراف دال مرکزی سازمان‌یافته‌اند که جامعه در اطراف آن شکل می‌گیرد. هژمونیک‌شدن یک گفتمان به معنای موفقیت آن در تثبیت معانی موردنظر خود است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۴)، اما در صورتی که گفتمان رقیب بتواند این نظام معنایی را به چالش بکشد، آزادی سوژگی تحقق می‌یابد و گفتمان موجود هژمونی‌اش را از دست می‌دهد.

برای تبیین گفتمان حکومت اسلامی امام خمینی (ره) و شهید صدر در ابتدا به متن و بستری که موجب اندیشه‌پردازی آنان شده است اشاره می‌شود. در این خصوص مهم‌ترین ویژگی متن و بستر سیاسی و اجتماعی در ایران (دوران پهلوی) و عراق (رژیم بعث)، سکولاریسم و مقابله با دین است. کشف حجاب، عدم اجازه تولید و نشر کتب اسلامی و علمی، نشر رمان‌ها و اشعار و تصاویر مبتذل در سطح وسیع، تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی سطحی و مبتذل (نصری، ۱۳۸۷: ۲۴۳-۲۱۹)، مقابله با مقام و جایگاه روحانیان و غیره، گوشه‌ای از برنامه‌های مقابله با اسلام از سوی خاندان پهلوی در ایران بود. در واکنش به این وضعیت امام خمینی (ره) به‌طور جدی به مقابله پرداختند. شروع درس ولایت فقیه یا حکومت اسلامی به سال ۱۳۴۸ شمسی به‌وسیله حضرت امام (ره)، آغازی بر طرح مجدد نظریه رابطه عمیق و فراگیر دین و سیاست بود (خواجه سروی، ۱۳۸۰: ۹۲). از نظر امام خمینی (ره) «این حرف‌ها که دین از سیاست جداست و امثال این حرف‌ها در منطق اسلام نیست. فعالیت سیاسی یکی از وظایف مذهبی مسلمانان است»؛ همچنین از نظر ایشان دین اسلام یک دین سیاسی است، دینی است که همه چیزش سیاست است، حتی عبادتش (حکومت اسلامی و ولایت فقیه، ۱۳۸۴: ۱۶، ۳۷). در نهایت امام خمینی (ره) در قالب سوژه‌ای سیاسی با رهبری خود توانست زمینه برتری و پیروزی گفتمان حکومت اسلامی را بر گفتمان پهلوی در ایران فراهم کند و با تأکید بر هویت اسلامی و ملازمه دین و سیاست، به مقابله با دیگر غیریت‌ها و هویت‌ها به‌خصوص سکولاریستی پردازد (خزایی، ۱۳۸۹).

در عراق نیز پس از روی کار آمدن حزب بعث در سال ۱۹۶۸ م دیری نپایید که رژیم بعث با اعمال مختلف چهره واقعی و هویت الحادی خود و دیدگاه‌های کینه‌توزانه و خصمانه‌اش را علیه دین آشکار کرد. این حزب سعی کرد با در اختیار گرفتن منابع و امکانات عراق برای نابودی اسلام و ریشه‌کن ساختن آن از دل‌های مردم عراق استفاده کرد و اندیشه‌های میشل عفلق، عیسی و سایر

فرماسونرها و صلیبی‌ها را جایگزین آن کند. در واقع حزب بعث به شدت به مبارزه با اسلام برخاست (النعمانی، ۱۳۸۲: ۱۷۳). شهید صدر نیز همانند امام خمینی (ره) در صدد مقابله با این وضعیت برآمد. از نظر نام‌برده نه تنها تعارض یا جدایی میان دین و سیاست وجود ندارد، بلکه سیاست در ذات دین نهفته و بخشی از آن است و بدین لحاظ بخشی جدایی‌ناپذیر نیز از وجود انسانی است. از نظر صدر، اسلام به‌طور فطری مکتبی انقلابی و سیاسی است و سیاست و انقلاب ریشه در ذات آن دارند (جمشیدی، ۱۳۸۹: ۱۸۱). شهید صدر به تلاش‌هایی عمیق روی آورد تا هم آتش کمونیسم را خاموش سازد و هم دین ستیزی‌های استعمار را بی‌اثر کند. وی با نگارش دو کتاب ارزشمند و جهانی «فلسفتنا» و «اقتصادنا»، هردو جبهه تهاجم را هدف قرارداد و در این دو کتاب در حقیقت خط بطلانی بر جهان‌بینی و افکار مادی و ماتریالیستی شرق و غرب کشید (مریجی، ۱۳۸۷). اما برخلاف امام خمینی (ره)، آیت‌... صدر در غلبه و استیلائی گفتمان حکومت اسلامی خود بر گفتمان بعثی، به دلیل سرکوب شدید حزب بعث و در نهایت شهادت ایشان، نتوانست به‌عنوان سوژه‌ای آزاد عمل کند و گفتمان حاکم را دگرگون نماید.

بنابراین واحدهای زبانی، یعنی طرح عدم جدایی دین از سیاست از سوی امام خمینی (ره) و شهید صدر با عوامل برون‌زبانی یعنی شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سکولار ایران (پهلوی) و عراق (بعث) در ارتباط تنگاتنگی قرارداد که به تلاش برای تغییر شرایط موجود و برقرای گفتمان حکومت اسلامی از سوی امام خمینی (ره) و شهید صدر انجامید، هرچند که به تجربه ناموفقی در عراق منجر شد.

در گفتمان حکومت اسلامی امام خمینی (ره)، دال مرکزی «ولایت فقیه» است. امام خمینی (ره) مهم‌ترین ویژگی حکومت اسلامی را حکومت قانون الهی بر مردم می‌داند، لذا معتقدند که اجرای این قوانین نیازمند نظارت کسانی است که آگاهی بیشتری به قوانین الهی دارند و آنها کسانی جز فقها نیستند (فوزی، ۱۳۸۸: ۸۵). از نظر امام خمینی (ره)، ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن موجب تصدیق می‌شود و چندان به برهان احتیاج ندارد. به این معنی که هر کس عقاید و احکام اسلام را، حتی به‌طور اجمال دریافته باشد چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور آورد، بی‌درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت (حکومت اسلامی و ولایت فقیه، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

در گفتمان حکومت اسلامی آیت‌... صدر، دال مرکزی «شورای رهبری» است. بر طبق این طرح

قرار بود که شهید صدر چند تن محدود از افراد با کفایت و لایق را برگزیند و مسئولیت رهبری قیام را بعد از شهادت خود بر دوش آنان نهد؛ همچنین فهرست دیگری شامل نام‌های چندین نفر از اندیشمندان و رهبران دینی تهیه و به شورای رهبری این اختیار را واگذارد تا از میان افراد این فهرست، هر کس را که مصلحت اقتضا کند، به عنوان عضو شورای رهبری برگزینند. شورای رهبری می‌توانست در صورت لزوم و مطابق با نیازهای انقلاب، از افراد دیگری که نامشان در این فهرست نیامده، یاری بجوید (حسینی حائری، ۱۳۷۵: ۱۶۹-۱۶۸)؛ بنابراین می‌توان دریافت که وجه مشترک حکومت اسلامی امام خمینی (ره) و شهید صدر، رهبری و مدیریت جامعه به وسیله فقها و رهبران دینی است.

پس از مروری اجمالی و کلی بر دال مرکزی گفتمان حکومتی امام خمینی (ره) و شهید صدر، یعنی حکومت فقیه، به مهم‌ترین دالی که حول دال مرکزی مذکور قرار دارد و مفصل‌بندی گفتمان حکومت اسلامی را تحت عنوان «جمهوری اسلامی» تشکیل می‌دهد اشاره می‌شود. این دال عبارت است از نقش مردم. در این خصوص امام خمینی (ره) الگوی حکومتی «دین و ولی فقیه، بدون مردم» و نیز الگوی حکومتی «دین و مردم، بدون ولی فقیه» را نفی و انکار کرد. بنابراین نقش مردم در چارچوب اسلام و تفسیر امام (ره) از «ولایت مطلقه فقیه» در نظام سیاسی اسلام، معنا و مفهوم می‌یابد. امام به همان میزان که از جدایی دین از سیاست نگران بودند به همان نسبت از جدایی مردم از بدنه حکومت نیز نگران بودند. مهم‌ترین ابتکار امام (ره) در زمینه حکومت اسلامی ترکیب مفهوم «جمهوری» با «اسلام» بوده است. برای نخستین بار در تاریخ حکومت‌های ایران کفه مردم در ترازوی حکومت و مردم، به طور رسمی سنگینی قابل ملاحظه‌ای یافت (مقیمی، ۱۳۷۸: ۱۵۰، ۱۶۴-۱۴۸).

مشارکت سیاسی مردم از طریق انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی نمایانگر بعد جمهوری بودن نظام و توجه به نقش مردم است؛ البته هر چند قوای قانون‌گذاری و اجرایی را مردم انتخاب می‌کنند اما ولایت فقیه بر این قوا نظارت و اشراف دارد.

شهید صدر نیز به نقش مردم در امر حکومت اشاره کرده‌اند. از نظر وی امت، حاکمیت خود را بر اساس مشورت همگانی و رأی اکثریت متبلور می‌سازد و با انتخاب رئیس قوه مجریه و اعضای مجلس مقننه اعمال حاکمیت می‌کنند. در عصر غیبت، خلافت به امت، و نظارت و اشراف به مراجع تقلید واجد شرایط واگذار شده است (اکبری معلم، ۱۳۸۳: ۱۱۷)؛ بنابراین در عین اینکه قوای اصلی حکومت،

یعنی قوه قانون‌گذاری و اجرایی متناسب به مردم است اما مرجع فقیه منتخب و مورد پذیرش مردم نیز بر آن نظارت شرعی دارد (جمشیدی، ۱۳۸۷: ۱۷).

بنابراین حمایت آیت‌ا... صدر از انقلاب اسلامی ایران و دیدگاه نظری مشترک ایشان با نظریات امام خمینی (ره) پیرامون لزوم استقرار حکومت جمهوری اسلامی، مهم‌ترین فرصت شکل‌گیری یک حکومت اسلامی در عراق محسوب می‌شود. بدون تردید اگر رژیم بعثی ایشان را به شهادت نمی‌رساند، دگرگونی گفتمان بعثی و استیلای گفتمان جمهوری اسلامی مورد نظر آیت‌ا... صدر تحقق می‌یافت. تبیین این عامل به همراه دیگر عوامل به عنوان چالش‌های فراروی شکل‌گیری حکومت اسلامی در کشور عراق، بحث بعدی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

پ- شکل‌گیری حکومت اسلامی در عراق؛ چالش‌ها

مهم‌ترین چالش‌هایی که فراروی شیعیان عراق برای سرنگونی رژیم بعثی و ایجاد حکومتی اسلامی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران وجود داشت عبارت‌اند از:

۱- سیاست‌های سرکوب‌گرانه حزب بعث؛ رهیافت نهادی

در اصل بررسی روندهای نهادی و سیاسی همچنان بخش بزرگی از علم سیاست را تشکیل می‌دهد (بال و گای پیتز، ۱۳۸۴: ۱۰). نهادها یکی از ستون‌های ریشه سیاست بوده و هستند. هرچند ویژگی عمده مطالعه نهادهای سیاسی عبارت‌است از واقعیت‌گرایی فوق‌العاده آن، اما فایده دیگر این رهیافت آن است که فرصتی برای تحلیل ارزش‌های سیاسی فراهم می‌آورد. در این خصوص به اعتقاد جانسون^۱ نهادهای سیاسی بیان‌کننده انتخاب‌های خاصی درباره چگونگی شکل‌گیری روابط سیاسی هستند. این نهادها ماهیتی دارند که به‌طور مداوم در اعضاء یک جامعه دستوراتی را مبنی بر اینکه آنان باید در تعقیب اهداف سیاسی به‌شیوه خاصی عمل نمایند القامی کند. این روش، نهادهای سیاسی را به‌عنوان نهادهایی که به‌ضرورت حاصل اجزاء هنجاری هستند تعریف می‌کند. سه نوع تحلیل نهادی، یعنی مطالعات قانون اساسی، اداره عمومی، و نهادگرایی جدید وجود دارد. دی‌لاو^۲ اعتقاد دارد که مطالعات قانون اساسی باید به‌عنوان «یک نقطه شروع توضیحی» در یک چارچوب نظری گسترده‌تر برای مطالعه دولت در نظر گرفته شوند. رهیافت اداره عمومی، که مورد نظر این پژوهش است، ما را به مقاماتی

1 . Johnson
2 . Dearlove

متوجه می‌سازد که در اداره عمومی دخیل هستند و بدین ترتیب تاریخ، ساختار، کارویژه‌ها و روابط آنان را تحلیل می‌کند (رودس، ۱۳۷۸: ۹۰-۸۵). نهادگرایی جدید نیز تجزیه و تحلیل سازمان‌های غیررسمی را دربرمی‌گیرد.

با توجه به مطالب فوق نخست حزب بعث از لحاظ تاریخی، ساختاری و ایدئولوژیکی تجزیه و تحلیل می‌شود و سپس کارویژه‌های این حزب به‌خصوص مقابله با جنبش‌های اسلامی در عراق - از جمله حزب الدعوه - برای جلوگیری از تأثیر انقلاب اسلامی ایران بررسی می‌شود. در واقع اقتضانات این حزب چیزی جز ایجاد یک حکومت توتالیتر و سرکوب شدید مخالفان را ایجاب نمی‌کرد. از لحاظ تاریخی حزب بعث ابتدا در سال ۱۹۲۰ با عنوان کمیته عربی تشکیل شد و در سال ۱۹۳۹-۱۹۳۳ با عنوان گروه کار ملی‌گرایان و بالاخره با عنوان حزب بعث به‌وجود آمد (حکیم، ۱۳۸۱). در فوریه سال ۱۹۶۳ م ناسیونالیست‌ها و بعثی‌ها که اتحادیه عرب^۱ را تأسیس کردند، دولت را سرنگون نمودند و ژنرال عبدالکریم قاسم را به‌قتل رساندند. نه ماه بعد عبدالسلام عارف با یک کودتا حکومت بعث را سرنگون ساخت. عارف در آوریل ۱۹۶۶ م در سانحه سقوط هواپیما کشته‌شد و برادرانش ژنرال عبدالرحمن و محمد عارف جانشین او شدند. در ۱۷ جولای سال ۱۹۶۸ م گروهی از بعثی‌ها و عناصر نظامی، حکومت عارف را سرنگون کردند. در این دوره، احمدحسن البکر در صحنه سیاست حضوریافت و در جایگاه رئیس‌جمهور عراق و رئیس شورای فرماندهی انقلابی انتخاب شد (پگاه حوزه، ۱۳۸۲)؛ بنابراین در سال ۱۹۶۸ بعثی‌ها توانستند به حکومت برسند. صدام نیز نقش کلیدی در کودتای ۱۹۶۸ ایفاکرد و لذا این اقدام او را در رأس هرم قدرت قرارداد. او بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ معاون ریاست جمهوری عراق شد (سایت حمودا ۲: ۲۰۱۱).

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ باعث شد که استکبار جهانی در منطقه، احساس خطر کند؛ از این رو رئیس‌جمهور «احمدحسن البکر» را برکنار کردند و «صدام حسین» را در رأس قدرت قراردادند. هرچند پیش از آن هم صدام قوی‌ترین شخصیت بعثی‌ها بود، اما با برداشتن مشکلات و موانع از سر راه او، قدرت شایانی در رهبری به وی بخشیده‌شد (حکیم، ۱۳۸۱) که تا آوریل ۲۰۰۳ ریاست جمهوری عراق را برعهده گرفت.

از نظر ساختاری در ۲۱ سپتامبر ۱۹۶۸ قانون اساسی جدیدی جایگزین قانون اساسی سال ۱۹۶۴ عراق شد که بر اساس آن دولت این کشور جمهوری اعلام شد و احزاب سیاسی از فعالیت منع

شدند. البکر همچنین در قانون اساسی سال ۱۹۷۰ تلاش کرد تا یک دولت یکپارچه عربی مرکب از تمام کشورهای عرب را پایه‌گذاری کند. قانون اساسی ۱۹۷۰ عراق در سال‌های ۱۹۷۱، ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ دچار اصلاحاتی در چند اصل به نفع این حزب شد (سایت ره‌پویان عدالت، ۱۳۸۹).

از نظر ایدئولوژیکی نیز حزب بعث در اصل از لحاظ فکری مبتنی بر تئوری ناسیونالیستی و شعار (امت واحد عربی با رسالتی پایدار) و هدف (وحدت، آزادی، سوسیالیسم) تأسیس شد و از تجارب وحدت اروپا (به‌ویژه کشورهای فرانسه، ایتالیا و آلمان) که تحت شرایط تاریخی و ذهنی ویژه‌ای انجام شد بهره‌برداری کرد. این امر به تجربه‌ای موفق از توتالیترایسم، فاشیسم و نازیسم در اروپا منجر شد، اما در منطقه عرب به‌ویژه در تجربه سال‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۶۳ (میان مصر، سوریه و عراق) و سایر پروژه‌های مشترک با شکست مواجه شد. بحث در خصوص وحدت، ناقض اصول فکری و فلسفی حزب بعث است. ویژگی‌های مورد نظر حزب در این خصوص عبارت‌است از ایدئولوژی واحد، نیروهای امنیتی فراگیر، انحصار کامل رسانه‌ها، ترویج فرهنگ تمامیت‌خواهی، سیاست‌های تروویستی و زور. آزادی مورد نظر حزب بعث نیز، به معنای آزادی مردم برای انتخاب نظام سیاسی، تشکیل احزاب سیاسی، اندیشه و عقیده و ... نبود بلکه فقط به معنای آزادی اعراب از کنترل استعمار خارجی در آن زمان بود. سوسیالیسم در ادبیات حزب بعث نیز به معنای انتقال مالکیت خصوصی به مالکیت عمومی با کنترل دولت بود و بنابراین موجب کنترل دولت بر کل اقتصاد عراق به‌ویژه نفت شد. سوسیالیسم حامل پیامدهای توزیع عادلانه ثروت و عدالت اجتماعی است اما حزب بعث آن را در هزینه‌های نظامی و ایجاد یک تیم امنیتی و پلیسی، رسانه‌های همسو با سیاست‌های خود، توزیع ثروت میان خانواده و بستگان این حزب که به ایجاد فقر، بیکاری، جرم و جنایت، فساد گسترده مالی، اداری، روانی و اجتماعی منجر شد اعمال کرد (البحرانی، ۲۰۱۰).

در نهایت ساختار و ایدئولوژی تمامیت‌خواه حزب بعث در کارویژه آن تجلی یافت. در این خصوص به جز حزب بعث، هیچ حزبی حق فعالیت نداشت. با روی کار آمدن این حزب، برنامه مقابله جدی با حزب الدعوه که مهم‌ترین جنبش اسلامی بود را به‌اجرا درآورد. یعنی‌ها به کسب اطلاعات و دستگیری اعضای جنبش اسلامی پرداختند و «ابوعصام» در سال ۱۹۷۲ و سپس «شیخ عارف البصری» و چهار نفر دیگر را در سال ۱۹۷۴ اعدام کردند. این روند ادامه داشت تا اینکه با انتفاضه صفر در سال ۱۹۷۷ مرحله جدیدی از مقابله مردم با رژیم شروع شد (حکیم، ۱۳۸۱)؛ روندی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران شدت یافت.

در آوریل سال ۱۹۸۰ حزب الدعوه، وزیر امور خارجه عراق طارق عزیز را ترور کرد. مدت کمی بعد از ترور نافرجام طارق العزیز، حزب الدعوه وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق لطیف نیاف جاسم را به قتل رساند. در این زمان بود که حزب الدعوه مورد سوءظن قرار گرفت. در واکنش به این ترورها، دولت عراق اعضا و طرفداران حزب الدعوه را محاصره، و هزاران ایرانی شیعه را که اصالت ایرانی داشتند از عراق اخراج و به سمت ایران روانه کرد (پگاه حوزة، ۱۳۸۲). برزان ابراهیم، برادر ناتنی صدام و رئیس سازمان امنیت کشور، در زندان از آیت... صدر خواست که فقط چند کلمه بر ضد امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی بنویسد تا آزاد شود. اما شهید صدر این خواسته را رد کرد و گفت: «من آماده شهادتم، هرگز خواسته‌های غیرانسانی و ضد دینی شما را قبول نخواهم کرد و راه من همان است که انتخاب کردم!...» وقتی که مزدوران بعثی، از منصرف کردن آیت... صدر و خواهرش مأیوس شدند، آن دو علوی پاک‌نژاد مظلوم را در روز سه شنبه ۲۳ جمادی‌الاول ۱۴۰۰ (۱۹ فروردین ۱۳۵۹) زیر شکنجه به شهادت رساندند (قلی‌زاده، ۶).

درواقع حزب بعث از طریق سرکوب مخالفان داخلی، هدفی جز جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی را مدنظر نداشت. در این خصوص در بیانیه سازمان پیکار اسلامی در عراق (۱۹۸۰) آمده است:

اینک رژیم بعث به اقدام‌های مذبحانه‌ای برای سرکوب انقلاب عراق دست زده و سعی دارد که نیروهای امنیتی و دستگاه‌های جاسوسی خود را با اختصاص بودجه هنگفت، مجهز و وارد عمل کند. این مراکز تا به حال (۱۹۸۰) توانسته ۴۰۰ بانوی مبارز مسلمان را در سراسر عراق دستگیر و اخیراً ۴۵۰ نفر از سربازان آزاده که در نیروی نظامی عراق خدمت می‌کنند دستگیر کرده و تنها جرم آنها اعتقاد به ایدئولوژی اسلامی و طرفداری از انقلاب اسلامی ایران بود (اسنادی از انقلاب اسلامی عراق، ۱۹۸۰: ۷۷).

علاوه بر این رژیم عراق تلاش می‌کرد تا به وحشت و هراس کشورهای عرب خلیج فارس از صدور انقلاب اسلامی ایران دامن‌زند. دولت عراق برای بهره‌برداری از این شرایط جدید، به بزرگ‌نمایی وقایعی همچون تصرف مسجدالحرام در مکه، شورش شیعیان شرق عربستان، بمب‌گذاری‌های کویت و دیگر ناآرامی‌های کشورهای منطقه پرداخت و با منتسب کردن آنها به جمهوری اسلامی، کوشید تا دولت‌های عرب خلیج فارس را از روش‌های سیاسی ایران بیمناک کند. به دنبال تبلیغات شدید عراق علیه ایران و افزایش تنش در منطقه، سران کشورهای عربی بیش از گذشته

نگران تغییرات سریع منطقه و بی‌ثباتی آن شدند و به ناچار به قدرت نظامی عراق متوسل شدند تا در پناه آن، از نفوذ انقلاب اسلامی جلوگیری کنند (یکتا، ۱۳۹۰).

در نهایت اینکه حزب بعث با رهبری صدام حسین، توانست شورش‌ها و اعتراض‌های شیعیان و در رأس آن حزب الدعوه را سرکوب نماید و لذا مانع بزرگی را در برابر شیعیان عراق به رهبری حزب الدعوه برای استقرار حکومت اسلامی ایجاد کرد. سیاست‌های سرکوب‌آمیز حزب بعث، پیامدی جز ایجاد احساس ناکارآمدی گروه‌های شیعه در مقابله با دستگاه گسترده پلیسی و امنیتی این حزب به همراه نداشت؛ روندی که با شهادت آیت‌الله صدر، بر شدت آن افزوده شد.

اما صرف نظر از سیاست‌های سرکوب‌گرانه حزب بعث، تشکیلات شیعی نیز از انسجام کافی برای مقابله با رژیم برخوردار نبودند و این عامل در عدم تحقق اهداف آنان تأثیر به‌سزایی داشت. در واقع اختلاف میان گروه‌های مختلف شیعه موجب خنثی‌سازی فعالیت‌های یکدیگر شد. این اختلاف تا آنجا بود که برخی از این گروه‌ها، از انقلاب اسلامی ایران چندان پشتیبانی نکردند و حتی به لزوم حکومت اسلامی اعتقادی نداشتند. درخصوص عدم انسجام کافی تشکیلات شیعه، فیلیپ رابینز معتقد است که «ایرانی‌ها بر مبنای تصورات و مفروضات نادرست خود درباره یکپارچگی جامعه شیعه عراق و ماهیت به‌ظاهر آسیب‌پذیر رژیم حاکم، به‌نوبه خود فقط به مخالفان شیعه عراق متکی بودند. به‌احتمال رهبران ایران تجربه خود را از نجف کسب کردند و آن را به کل جمعیت شیعه عراق تعمیم دادند، اما معلوم شد که نجف نمی‌توانست نماینده جامعه بزرگ‌تر شیعی باشد» (رابینز، ۱۳۸۶: ۱۰۷ و ۹۹). همچنین پس از شهادت آیت‌ا. صدر جنبش انقلابی از هم‌پاشیده شده بود و رهبری واحدی برای پرکردن جای خالی محمدباقر صدر وجود نداشت (دکم‌جیان، ۱۳۷۷: ۲۳۷).

۲- خدمات عمومی و تأثیر آن بر شیعیان نسبت به انقلاب اسلامی؛ رهیافت انتخاب عقلانی

دراصل نگرش‌ها و روش‌های گزینش عقلانی^۱ را در آغاز اقتصاددانان بر حوزه سیاست اعمال کردند. از این دیدگاه، کنشگران سیاسی به شیوه‌های خردمندانه می‌کوشند تا بهترین وسایل را برای دستیابی به اهداف خود به‌کاربرند. از این رو کنش سیاسی، از اساس کنش عقلانی معطوف به هدف است (بشیریه، ۱۳۸۴: ۷۱). بر اساس نظریه انتخاب عقلانی مشارکت فرد در جنبش‌های اجتماعی، عقلانی است. در این خصوص اولسون دو فرض را مدنظر قرار داده است. اول اینکه

1 . Social Phenomena

انتخاب‌های اجتماعی را باید بر حسب اولویت‌های فردی توضیح داد، و دوم اینکه افراد عقلانی عمل می‌کنند تا منافعشان را به حداکثر و ضررهایشان را به حداقل برسانند (نش، ۱۳۸۹: ۱۴۶، ۱۴۴). نگرش‌ها و روش‌های گزینش عقلانی بر چند نوع‌اند از جمله نظریه گزینش عمومی که مورد نظر این پژوهش است، نظریه بازی‌ها و مدل‌های فضایی. نگرش گزینش عمومی درباره تأمین هر آن چیزی است که از لحاظ عموم مردم مطلوب است. از این دیدگاه وجود حکومت به سود همگان است. خیرات و خدمات عمومی را فقط حکومت تأمین می‌کند (بشیریه، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۱).

با عنایت به مطالب فوق با اتکای بر رهیافت انتخاب عقلانی یکی دیگر از چالش‌های فراروی شکل‌گیری حکومتی اسلامی در عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر سطح جامعه و مطلوبیت‌های کنشگران، یعنی شیعیان عراق تبیین می‌شود. به‌طور عموم یکی از مسائلی که مطلوبیت کنشگران را شکل می‌دهد مربوط به رفاه و وضعیت اقتصادی است؛ بنابراین در ابتدا مروری کوتاه بر اوضاع اقتصادی عراق می‌شود.

اقتصاد عراق در اواخر دهه ۱۹۷۰ توسعه‌یافته‌بود و تولید نفت از ۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۳ به ۲/۷ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۸ افزایش یافته‌بود که ۳۰ درصد رشد را نشان می‌داد. این میزان در سال ۱۹۷۹ به ۳/۵ میلیون بشکه در روز رسید. درآمدهای نفتی این کشور نیز به‌طور چشمگیری افزایش یافت و از ۱/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳ به ۱۰/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ رسید. در نه ماه اول سال ۱۹۸۰، درآمدهای نفتی عراق ۹۷/۲ درصد افزایش داشت و به ۲۱/۳ میلیارد دلار رسید. در نه ماه اول سال ۱۹۸۰ نیز درآمدهای صادرات نفتی این کشور به ۲۲/۴ میلیارد دلار یا در حدود ۲۹/۸ میلیارد دلار در طول این سال رسید (مفید، ۱۳۸۷). همچنین، واردات کالاهای خارجی نیز در سال ۱۹۵۰ از ۳۷/۶ میلیون دینار به ۲۴۷/۹ و ۱۷۳۸/۹ به ترتیب در سال ۱۹۷۱ و ۱۹۷۹ افزایش یافت. بر اساس گزارش سازمان ملل متحد (۱۹۸۹-۱۹۸۸)، طی سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۰ میزان تولید ناخالص داخلی عراق ۱۱/۷، واردات کالا و خدمات ۲۲/۵، صنعت ۱۰/۵، ساختمان و ساخت و ساز ۲۸/۵، حمل و نقل و ارتباطات ۱۹/۵ و کشاورزی ۱/۴ رشد داشته‌است (احسان، ۲۰۱۰).

سؤال قابل طرح در این قسمت این است که سهم شیعیان از رشد اقتصادی مذکور چه میزان بوده‌است؟ برخی از صاحب‌نظران معتقدند که در طول تاریخ، شیعه هم از لحاظ سیاسی ناتوان بود و هم از لحاظ اقتصادی دچار رکود شده‌بود. با شروع قرن شانزدهم میلادی زمانی که سنی‌های عثمانی از هم‌کیشان عراقی‌شان حمایت می‌کردند، شیعیان، پیوسته مخالف قدرت سیاسی در عراق بودند. در

سطح اقتصادی، جدا از تعداد کمی از اربابان و تاجران ثروتمند، شیعیان به لحاظ تاریخی همانند کشاورزان و خدمتکاران استعمار می‌شدند؛ حتی موفقیت اکتسابی به‌دست‌آمده از رونق نفتی دهه ۱۹۷۰م وضعیت شیعیان عراق را فقط کمی بهتر کرد. البته در ابتدای نیمه دوم دهه ۱۹۷۰م سیاست‌های اقتصادی مردم‌گرایانه^۱ صدام‌حسین تأثیر مطلوبی بر آنها داشت و بعضی از شیعیان را قادر ساخت تا به صفوف طبقه متوسط و جدید شیعه بپیوندند (پگاه حوزه، ۱۳۸۲).

درواقع ترس از گرایش شیعیان عراق به انقلاب اسلامی ایران، حزب بعث را به کاهش شکاف میان شیعه‌ها و اهل تسنن متمایل کرد. کمک‌های مالی فراوانی به نوسازی زیارتگاه‌ها و اماکن مقدس شیعیان اختصاص داده‌شد. مجتهدان شیعه در فهرست حقوق‌بگیران دولتی قرار گرفتند و در همین حال کمک‌های بیشتری در اختیار آن دسته از رهبران مذهبی که آشکارا به مقابله با رادیکال‌ها پرداختند اختصاص یافت. شاخص‌ترین این رهبران علی کاشف‌الغطا بود که همراه با علی‌الصغیر علنا به رد فلسفه سیاسی ولایت فقیه امام خمینی (ره) پرداخت (رابینز، ۱۳۸۶: ۱۰۶-۱۰۰).

همچنین از لحاظ مناصب حکومتی نیز حضور وزرای شیعه، تا حدی افزایش یافت. به‌علاوه، شیعیان در فرماندهی منطقه‌ای حزب بعث (القیاده و القیطریه)، چهار عضو داشتند که برای نمونه، از نعیم حداد سخنگوی مجمع ملی، سعدون حمادی وزیر خارجه، و رمی خاروق کارمند بلندپایه حزب بعث می‌توان نام برد (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۲۳۷). در دسامبر ۱۹۷۹ نیز تحت فشار انقلاب اسلامی ایران، شورای فرماندهی انقلاب به سرعت پیش‌نویس تأسیس مجلس شورای ملی را انتشار داد و در مارس ۱۹۸۰، پس از تغییرات جزئی این مصوبه به‌صورت قانون انتخابات مجلس شورای ملی درآمد. مجلس ملی (در دوره حکومت صدام‌حسین) ۲۵۰ عضو داشت که ۲۲۰ نفر از آنها را مردم انتخاب می‌کردند و برای یک دوره چهارساله در این مجلس حضور می‌یافتند. ۳۰ نفر دیگر به‌وسیله رئیس‌جمهور برای نمایندگی سه استان شمالی، در مارس ۲۰۰۰ انتخاب شدند (پگاه حوزه، ۱۳۸۲).

بنابراین حفظ و گسترش منافع اقتصادی و سیاسی موجب شد برخی رهبران شیعه و به‌دنبال آن اقشار مردم در مبارزه علیه رژیم بعثی سست شوند. در آن‌سو وجود مشکلات اقتصادی در ایران نیز در اتخاذ مواضع انفعالی شیعیان عراق بی‌تأثیر نبوده‌است. توضیح اینکه ظرفیت تولید نفت ایران پس از انقلاب به حدود سه میلیون بشکه در روز (حدود نصف سال ۱۳۵۶) کاهش یافت. با وجود این درآمد نفتی ایران در مقایسه با درآمد نفتی سال ۱۳۵۶، تفاوت محسوسی نداشت. علت این امر دوبرابر شدن

1 . Populist

بهای نفت در بازارهای جهانی به واسطه بروز انقلاب در ایران و وقفه در صادرات نفت کشور بود (میرترابی، ۱۳۸۵: ۸۹). بنابراین پس از پیروزی انقلاب درآمدهای نفتی کاهش چشمگیری نیافت، اما می توان گفت آنچه که باعث بروز مشکلات شد درهم ریختگی اوضاع و تعطیل شدن مراکز تولید بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فعالیت وابستگان رژیم سابق و مزدوران سیا و موساد برای متوقف کردن روند تولید کارخانه ها آغاز شد. با تحریکات سعی شد که کارخانه ها به بن بست کشیده شوند. از همان ماه اول پیروزی انقلاب شعار دادند که «انقلاب شد، اما هنوز کارگران کارگردد. پس کو نتایج انقلاب؟» (رهپو، ۱۳۶۰: ۴۲).

اما یک رشته از حوادث به تدریج به کاهش صادرات نفت ایران منجر شد. بروز نشانه های رکود اقتصاد جهانی، با کاهش تقاضا برای خرید نفت در بازار همراه شد. اشغال سفارت آمریکا نیز، فروش ۶۰۰ هزار بشکه ای نفت به شرکت های آمریکایی را متوقف کرد. جامعه اروپا و ژاپن نیز به دنبال آن تحریم هایی را علیه ایران به اجرا گذاشتند. این عوامل باعث شد تا پیش از آغاز جنگ، تولید نفت ایران به کمتر از دو میلیون بشکه در روز برسد. طی جنگ نیز حملات عراق به تأسیسات تولید و صدور نفت کشور، در عمل مانع از آن شد که تولید نفت ایران در این سال ها به فراتر از ۲/۵ میلیون بشکه در روز برسد (میرترابی، ۱۳۸۵: ۹۰-۸۹). اما اوضاع عراق در مقایسه با ایران تفاوت کلی داشت. در کل ایران با کاهش تولید صادرات نفت و درآمدهای آن وضعیت آشفته ای داشت در حالی که عراق در وضعیت مناسبی قرار گرفته بود و از رشد اقتصادی و ساختار زیربنای اقتصادی مناسبی برخوردار بود (مفید، ۱۳۸۷). نتیجه اینکه حزب بعث در عین استفاده از سیاست های سرکوب آمیز، با بهره گیری از سیاست های سازش کارانه نیز کوشید جنبش شیعیان را در عراق متوقف سازد. در این خصوص بر اساس نظریه انتخاب عقلانی که مشارکت فرد در جنبش های اجتماعی را عقلانی می داند، هزینه بالای مشارکت در اعتراضات مردمی علیه رژیم به دلیل سرکوب شدید حزب بعث، باعث شد که شیعیان از اقدامات جدی علیه رژیم خودداری کنند، به خصوص آنکه صدام حسین توانست با ارائه خدمات عمومی، که حاصل افزایش درآمدهای نفتی این کشور بوده، رضایت مطلوب شیعیان را جلب، و از این طریق از گرایش بیشتر آنان نسبت به انقلاب اسلامی ایران جلوگیری کند. به عنوان نمونه نوسازی زیارت گاه ها و اماکن مقدس شیعیان، حضور وزرای شیعه در کابینه و دیگر مناصب که می توانست عاملی برای تحقق اهداف بعدی آنان باشد، مخالفت های آنان را در خصوص سیاست های اسلام زدایی صدام حسین کم رنگ کرد. از طرف دیگر در آن سو مشکلات اقتصادی که ایران در اوائل انقلاب و نیز

در دفاع از جنگ عراق با ایران با آن دست‌به‌گریبان بود، بر جهت‌گیری منفی شیعیان عراق نسبت به انقلاب اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است. تمام این عوامل باعث شد که مبارزات انقلابی آنان علیه حزب بعث، به مواضع انفعالی تبدیل شود. درخصوص این مواضع انفعالی و بهانه‌های موجود در این زمینه که پشت‌سر آن حسابگری‌های به اصطلاح عقلانی قرار داشت، می‌توان به دیدگاه آیت‌ا. صدر که پس از آوردن آیه‌ای آمده است، اشاره کرد که این بهانه‌ها را رد کرده و مردم را به حرکت فرامی‌خواند:

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَّا تَعْتَذِرُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكُمْ قَد نَّبَأْنَا اللَّهَ مِنْ
أَخْبَارِكُمْ وَ سَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُوْلُهُ ثُمَّ تَرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ
فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. «هنگامی که به سوی آنان بازگردید برای شما
عذر می‌آورند. بگو: عذر نیاورید، هرگز شما را باور نخواهیم داشت؛ خدا ما را از
خبرهای شما آگاه گردانیده، و به زودی خدا و رسولش عمل شما را خواهند دید.
آنگاه به سوی دانای نهان و آشکار، بازگردانیده می‌شوید، و از آنچه
انجام می‌دادید به شما خبر می‌دهد.» در این آیه پرگداز، قرآن هرگونه عذرتراشی
را رد کرده به پیامبرش اجازه نمی‌دهد به‌عنوان زبان‌گویای دعوت اسلامی،
پوزش‌کسانی را که از جنگ تخلف کرده‌اند بپذیرد. با بررسی این عذرهایی که
قرآن از روی آنها پرده برداشته و بنیادش را نشان داده است، احساس می‌کنیم
بهانه‌های آن روز، درست همین بهانه‌های رایج امروز است. این عذرتراشی‌ها
در حقیقت و محتوای روانی‌اش هیچ‌گونه تفاوتی با هم ندارند، در عمق همه
این بهانه‌ها، یک نوع خودخواهی و خودپسندی نهفته است و دعوت به حرکت
انقلابی امروز ما به‌عین همان مشکلات و سختی‌های زمان پیامبر(ص) را دارد. و
اینان درست همان گرفتاری‌ها را دارند (صدر، ۱۳۵۷: ۲۳).

بنابراین به نظر می‌رسد چالش‌های فوق‌الذکر نقش فرصت‌ها را به‌حاشیه‌کشانید و مانع از سرنگونی رژیم بعثی و استقرار یک حکومت اسلامی در این کشور شد.

نتیجه‌گیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، برخی از حکومت‌های مستبد و سکولار در دیگر کشورهای اسلامی همچنان حضور خود را حفظ کردند و هرچند حرکت‌ها و جنبش‌هایی از سوی گروه‌ها و

اقتدار مسلمان در این کشورها با تأسی از انقلاب اسلامی ایران رخ داد، اما به مرحله سرنگونی حکومت منجر نشد. در واقع فرصت‌های موجود در این کشورها زمینه را برای شورش‌ها و حرکت‌هایی فراهم کرد اما برخی چالش‌ها باعث شد به مرحله انقلاب و تغییر رژیم منتهی نشود. در این مقاله به عنوان مطالعه موردی به فرصت‌ها و چالش‌های فراروی شیعیان عراق جهت سرنگونی رژیم بعثی و استقرار حکومتی اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران پرداخته شد. کشور عراق با اکثریتی از شیعیان که تحت سیاست‌های سرکوب آمیز و دین ستیز حزب بعث بودند، وجود مرز مشترک و طولانی با ایران و خصوصاً ارتباط گسترده علما و روحانیون دو کشور، از فرصت‌ها و ظرفیت‌های ویژه ای برای سرنگونی رژیم بعث و استقرار حکومتی اسلامی برخوردار بود. در این دوران آیت‌ا. صدر همان نقشی را برعهده داشت که امام خمینی (ره) در ایران عهده‌دار آن بود. حمایت آیت‌ا. صدر از انقلاب اسلامی ایران و دیدگاه نظری مشترک ایشان با نظریات امام خمینی (ره) پیرامون لزوم استقرار حکومت جمهوری اسلامی که بر اساس رهیافت گفتمان به آن پرداخته شد، یکی از فرصت‌های مهم استقرار حکومتی اسلامی با بهره‌مندی از الگوی حکومتی ایران محسوب می‌شد. هرچند جنبش‌ها و قیام‌هایی از سوی حزب الدعوه اسلامی به رهبری شهید صدر رخ داد، اما در اثر وجود چالش‌هایی به انقلاب و سرنگونی رژیم بعث منجر نشد.

در این خصوص از دیدگاه رهیافت نهادی مشخص شد که اقتضای حزب بعث با آن سابقه تاریخی، ساختاری و محتوای ایدئولوژیکی که طی این پژوهش تشریح شد، چیزی جز سرکوب گسترده مخالفان و افزایش نیروهای امنیتی و پلیسی برای مقابله با جنبش‌های اسلامی، به خصوص حزب الدعوه اسلامی نبود؛ روندی که برای مقابله با آن وحدت و انسجام تشکیلات شیعی از سطح رهبران گرفته تا نیروهای مردمی لازم و ضروری می‌بود چراکه اقتضای تشکیلات شیعی که مبتنی بر دین مبین اسلام است، آن است که وحدت و یکپارچگی خود را در مقابله با دشمنان حفظ کند. همچنین حزب بعث در عین استفاده از سیاست‌های سرکوب آمیز، درصدد به کارگیری سیاست‌های سازش کارانه برای جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران نیز بود. در این خصوص بر اساس رهیافت انتخاب عقلانی مشخص شد که این حزب با ارائه خدمات عمومی مواضع انقلابی شیعیان را به مواضع انفعالی تبدیل کرد. تمامی این عوامل باعث شد که اهداف انقلاب اسلامی ایران در کشور عراق، یعنی دگرگونی گفتمان بعثی و برقراری حکومتی اسلامی در این کشور در زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران تحقق نیابد.

هرچند گفتمان بعثی، بعد از اشغال این کشور به واسطه ایالات متحده دگرگون شد و در نهایت بر اثر مجاهدت‌های جنبش‌های اسلامی در این کشور که سایه معنوی انقلاب اسلامی ایران را نیز با خود به همراه داشته، موجبات حضور نسبی شیعیان در مناصب کلیدی این کشور را فراهم کرده، اما هنوز تا برپایی گفتمان نظام جمهوری اسلامی و این‌بار، مقابله با گفتمان آمریکایی، چالش‌ها و مشکلات فراوان و درعین حال فرصت‌ها و ظرفیت‌های بسیاری وجود دارد.

منابع

۱- منابع فارسی

- قرآن کریم
- امام خمینی، روح‌ا... (۱۳۸۴)، *حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره)*، (تبیان آثار موضوعی دفتر چهل و پنجم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- *اسنادی از انقلاب اسلامی عراق* (۱۹۸۰)، بی‌جا، انتشارات سازمان پیکار اسلامی عراق.
- اکبری معلم، علی (۱۳۸۳)، «مشروعیت و مقبولیت ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی (ره)»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار.
- النعمانی، شیخ محمدرضا (۱۳۸۲)، *سال‌های رنج: خاطرات و ناگفته‌ها از زندگی شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر (ره)*، ترجمه مهرداد آزاد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- *آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی (ره))* (۱۳۷۳)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- بال، آلن. روب، گای پیترز (۱۳۸۴)، *سیاست و حکومت جدید*، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر قومس.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴)، *آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی*، تهران: مؤسسه نگاه معاصر.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۹)، *زندگانی سیاسی شهید سید محمدباقر صدر (با تکیه بر تأثیرگذاری بر انقلاب اسلامی ایران)*، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- حسینی حائری، سید کاظم (۱۳۷۵)، *زندگانی و افکار شهید صدر*، ترجمه و پاورقی حسن تارمی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۳)، «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان.
- حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۸۵)، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خلیلیان، سید خلیل (۱۳۷۵)، *حقوق بین الملل اسلامی*، تهران: دفتر نشر اسلامی.
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۰)، «وحدت دین و سیاست در اندیشه امام خمینی (ره)»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان.
- دکمچیان، هرایر (۱۳۷۷)، *اسلام در انقلاب جنبش های در جهان عرب*، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- رایینز، فیلیپ (۱۳۸۶)، «عراق: تهدیدهای انقلابی و پاسخ های رژیم»، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، به کوشش جان. ال. اسپوزیتو، ترجمه دکتر محسن مدیر شانه چی، تهران: انتشارات بازشناسی اسلام و ایران.
- رهپو، محمدحسن (۱۳۶۰)، *ناسیونالیسم عربی و انقلاب اسلامی*، انتشارات سروش.
- رودس، آر.ای. دلبلیو (۱۳۷۸)، «رهیافت نهادی»، *در روش و نظریه در علوم سیاسی*، به کوشش دیوید مارش و جری استوکر، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، *بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین الملل*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- صدیقی، کلیم (۱۳۷۵)، *نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- صدر، محمدباقر (۱۳۵۷)، *همراه با تحول اجتهاد*، ترجمه اکبر ثبوت، جمال موسوی، جعفر حجت، تهران: انتشارات روزبه.
- صفاتاج، مجید (۱۳۸۷)، *انقلاب اسلامی و استعمار فرانو در منطقه*، انتشارات سفیر اردهال.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۸)، *اندیشه سیاسی در ایران بعد از انقلاب*، تهران: انتشارات پژوهشکده امام

- خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- قاسمی، فرج‌ا... (۱۳۸۸)، «مرجعیت و سیاست در عراق پس از اشغال، با تأکید بر اندیشه آیت‌الله سیستانی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال دوازدهم، شماره ۴۵، بهار.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷)، *سیاست خارجی ایران در جمهوری اسلامی ایران*، اصول و مسائل، تهران: نشر دادگستر.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۵)، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، چ ۱، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مجرد، محسن (۱۳۸۶)، *تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مقیمی، غلام‌حسن (۱۳۷۸)، «امام خمینی (ره) ولایت فقیهان و مشارکت مردم»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال دوم، شماره ۵، تابستان.
- میراحمدی، منصور و آجیلی، هادی (۱۳۸۸)، «درآمدی بر معنا و مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل: روی کردی اسلامی»، *فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱۹، پاییز.
- میرترابی، سعید (۱۳۸۵)، *مسائل نفت ایران*، تهران: انتشارات قومس.
- نش، کیت (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- نصری، محسن (۱۳۸۷)، *ایران، دیروز، امروز، فردا (تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران)*، قم: دفتر نشر معارف.
- هورات، دیوید (۱۳۷۸)، «نظریه گفتمان»، *در روش و نظریه در علوم سیاسی*، به کوشش دیوید مارش و جری استوکر، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲- منابع الکترونیکی

۱-۲- سایت‌های فارسی

- پگاه حوزه ۱۰/۸/۱۳۸۲، «صدام، دین حکومت»، ش ۱۰۷، تاریخ دسترسی ۱۳۹۱/۳/۱، در:
<http://www.hawzah.net/Hawzah/Magazines/MagArt.aspx?MagazineNumberID=3952&id=24658>
- «تاریخچه قانون اساسی عراق»، تاریخ دسترسی ۱۳۹۰/۱۲/۱۵، در:
http://rahpooyanedalat.com/law/index.php?option=com_content&view=article&id=3881:1

389-09-16-08-03-34&catid=150

- حکیم، حسن (۱۳۸۱)، «وضعیت گروه‌های سیاسی عراق (گفت‌وگو با استاد حسن حکیم)»،

فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۸، تابستان، تاریخ دسترسی ۱۳۹۱/۱/۲۰، در:

http://www.shareh.com/persian/magazine/uloum_s/18/18_19.htm

- خزایی، حسین (۱۳۸۹/۸/۱۱)، «گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمانی که غالب شد»، تاریخ دسترسی

در: ۱۳۹۱/۲/۱۰،

<http://www.tebyan.net/Weblog/bah1359/post.aspx?PostID=153621>

- رهپویان عدالت، ۱۳۸۹

<http://rahpooyanedalat.com>

- قلی‌زاده، مصطفی، «شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر»، در: <http://lib.ahlolbait.ir>

- مریجی، شمس‌ا... (۱۳۸۷)، «ایده روشن‌فکری و موضع حوزه نجف»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره

۴۴، تاریخ دسترسی ۱۳۹۰/۱۲/۱۲، زمستان، در:

http://www.shareh.com/persian/magazine/uloum_s/44/05.htm

- مفید، کامران (۱۳۸۷)، «وضعیت اقتصادی ایران و عراق در آستانه جنگ»، ویژه‌نامه فارس در هفته

دفاع مقدس، تاریخ دسترسی ۱۳۹۱/۲/۱۵، در:

<http://www.centralclubs.com/topic-t48057.html>

- یکتا، حسین (۱۳۹۰)، «خواب‌های شیرین: سیری در روابط سیاسی ایران و عراق»، مجله زمانه،

شماره ۳ و ۴ تاریخ دسترسی ۱۳۹۰/۱۰/۱۲، در:

<http://www.hawzah.net/Hawzah/Articles/Articles.aspx?LanguageID=1&id=91248&SearchText=%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82%20%D8%AF%D8%B1%201979>

۲-۲- سایت‌های عربی

- البحرانی، سلام (۲۰۱۰)، «عقم النظرية القومية لحزب البعث»، فی:

<http://www.sotaliraq.com/articlesiraq.php?id=77867>

- احسان، وسن (۲۰۱۰)، «الاقتصاد العراقي... الواقع، الاشكاليات، الحلول»، فی:

<http://iraqcass.com/article.php?id=61>

-سایت حمودا، ۲۰۰۱ <http://hamoda.com>

- «صدام حسین عبدالمجید التکریتی» (۲۰۱۱)، فی: <http://hamoda2.yoo7.com/t10602-topic>

Opportunities and Challenges of Establishment of Islamic Government in Iraq After the Victory of Islamic Revolution of Iran

**Mojtaba Attarzadeh^{1*}
Azam Khani²**

**Received on: 7/20/2013
Accepted on: 11/16/2013**

Abstract

The Islamic Revolution of Iran through reviving Islamic issues led to great cultural developments on the regional level, preparing the grounds for Islamic Awakening movement in the Middle East, North Africa and other regions. The main objective of the present research is to review the impacts of the Islamic Revolution of Iran on Iraq. The main question of the present paper is: what challenges and opportunities appeared with the victory of the Islamic Revolution for establishment of an Islamic government in Iraq? Despite the existence of a number of opportunities such as long joint borders, majority of Shia population in the south of Iraq, deep relations between the clerics and religious scholars of the two countries, the existence of certain limitations such as suppressive policies of the Ba'th regime, lack of unity among the Shia organizations and Ba'th party's policy of nepotism, prevented the overthrow of the Ba'th regime and establishment of an Islamic government in Iraq in the early years of the victory of Islamic Revolution. Attempts have been made in the present paper to comparatively study the government models of Imam Khomeini and that of Ayatollah Sadr to elaborate the political structure of Iraq and its impact on the stance of Iraqi Shias towards the Islamic Revolution of Iran – through discourse analysis. Also the role of Shia organizations in their unity and solidarity, the economic conditions of the Iraqi Shias as well as the impacts of Iranian economic conditions on stance of Iraqi Shias towards the Islamic Revolution have been studied through a rational approach.

Keywords: Islamic Revolution of Iran, Iraqi Shias, Islamic Government, Ba'th Regime

1 . Faculty member, Isfahan Art University,

(Corresponding Author: mattarzadeh@yahoo.com)

2 . Student of MA (Political Science), Department of Political Science, Isfahan University.